

مرگ تدریجی

افول تدریجی آمریکا از صحنه تحولات غرب آسیا

اسرائیل و کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس می شد که بعد از عقب نشینی بریتانیا از مواضع آن ها در شرق کانال سوئز^۳ در سال ۱۹۷۱، به دنبال امنیت بودند. در دهه های بعد و با مداخله مستقیم بیشتر ایالات متحده در خاورمیانه، آن کشورها، هسته گروهی از کشورهای دوست آمریکا را تشکیل دادند. این اقدام، کار واشنگتن^۴ را برای پیگیری اهدافش در منطقه، همچون تأمین روند تولید و جریان نفت، کمک به تضمین امنیت اسرائیل، مقابله با تروریست ها و ممانعت از تکثیر سلاح های کشتار جمعی و نیز مجموعه ای از سیاست های بیشتر از معمول جاه طلبانه، مانند حمله به عراق آسان تر کرد.

من از ابتدای نوشتار این مقاله که شرحی تفصیلی است از بحران های موجود در روابط واشنگتن با

استیون.آ. کوک، ستون نویس فارین پالیسی در یادداشتی با اشاره به مشکلات آمریکا در منطقه غرب آسیا نوشت: مشکلات در روابط آمریکا با عربستان، به تدریج در حال بروز هستند. او معتقد است که عربستان و امارات، دیگر به اظهارات آمریکایی ها مبنی بر اینکه واشنگتن متعهد به امنیت آن ها است، ایمان ندارند. او با اشاره به نشست نقب می گوید که پس از سال ها تلاش مقامات آمریکا برای ایجاد یک اجماع منطقه ای، اتحادی که اکنون وجود دارد، شامل ایالات متحده نیست. او معتقد است که ایالات متحده و دوستانش در منطقه، به برهه ای رسیده اند که منافع شان، دیگر همسو نیست^۱.

حدود پنجاه سال قبل، ایالات متحده، ضربه ای به مصر زد که این، یک پیروزی بزرگ در دیپلماسی مجموع صفر جنگ سرد^۲ بود و در طی آن، دو ابرقدرت مشغول جلب نظر حامیان منطقه ای بودند. مصری ها به گروهی پیوستند که شامل عربستان سعودی، اردن،

1. منبع: <https://foreignpolicy.com/2022/04/08/americas-middle-east-friendships-are-dying-a-natural-death/>
2. Cold War

3. Suez Canal
4. Washington

شرکای خود در خاورمیانه، به ویژه عربستان سعودی و امارات، به این روابط می‌اندیشیدم. عربستان و امارات، هیچ‌کدام با درخواست دولت بایدن^۱ برای تزریق نفت بیشتر در شرایطی که بهای جهانی نفت به دلیل حمله روسیه به اوکراین، به شدت بالا رفته است، موافقت نکرده‌اند. کمی بعد از اینکه نیروهای روس به سمت غرب حرکت کردند، دولت امارات به قطعنامه محکومیت حمله روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، رأی ممتنع داد. در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا، جو بایدن، تلاش کرده است تا جهان را علیه روسیه متحد سازد، عربستان سعودی و امارات، هیچ‌کدام از تحریم شریک خود در اوپک پلاس،^۲ یعنی روسیه حمایت نکردند. اواسط ماه مارس، امارات از رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد در دبی^۳ میزبانی کرد. تصوّر اینکه ولیعهد امارات، محمد بن زاید آل نهیان^۴ از دیدار با فردی که مسئول

ارتکاب جنایات گسترده‌ای علیه بشریت بوده، قصد ارسال چه پیامی را دارد، دشوار است، اما روشن است که این ملاقات، حاکی از شکاف با ایالات متحده بوده باشد.

مشکلات در روابط آمریکا با عربستان، به تدریج در حال بروز هستند، اما ترکیبی از عوامل منطقه‌ای، جهانی و سیاسی که در هشت ماه گذشته تصادم پیدا کرده‌اند، به تشدید این روابط کمک نموده‌اند. آخرین باری که رهبر یکی از کشورهای خاورمیانه پاسخ تماس تلفنی رئیس‌جمهور آمریکا را نداد، چه زمانی بود؟ در زمان کنونی نمونه‌هایی از هر دو مورد را شاهد هستیم. با این حال، این فقط یک رنجش شخصی نیست، بلکه به نظر می‌رسد که عربستان و امارات، دیگر به اظهارات آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه واشنگتن متعهد به امنیت آن‌ها است، ایمان ندارند. در دوران ترامپ^۵، زمانی که ایران در سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی

عربستان در بقیق^۶ و خریص^۷ حمله کرد، رئیس‌جمهور ترجیح داد تا به این حملات پاسخی ندهد. این چهار دهه سیاست خارجی وارونه آمریکا برای دفاع از میادین نفتی خلیج فارس در برابر تهدیدهای نشئت‌گرفته از داخل و خارج منطقه، طراحی و تنظیم نشده است. ما اخیراً نیز شاهد عقب‌نشینی آشفته و نامنظم آمریکا از افغانستان و عزم دولت بایدن برای آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای با ایران بودیم. کشورهای حاشیه خلیج فارس، در واقع از حصول توافق حمایت می‌کنند، اما از این هراس دارند که مذاکرات به توافقی منتهی شود که برای تهران، میلیارد‌ها دلار منابع فراهم سازد و او بتواند، بیشتر منطقه را بی‌ثبات کند. این مسئله در کنار عدم تمایل واشنگتن برای تعیین حوثی‌های یمن به عنوان یک گروه تروریستی و در حالی که مقامات آمریکا در اندیشه حذف

6. Abqaiq

7. Khurais

5. Trump

1. Biden

2. OPEC+

3. Dubai

4. Mohammed bin Zayed Al Nahyan



دور یکدیگر جمع کرد، حاکم بود اما این واقعیت نیز وجود داشت که پس از سال‌ها تلاش مقامات آمریکا برای ایجاد یک اجماع منطقه‌ای، اتحادی که اکنون وجود دارد، شامل ایالات متحده نیست.

در مجموع، تمامی این مسائل، طرفدارانی در واشنگتن دارد که می‌پرسند، آیا شرکای ایالات متحده در خاورمیانه، واقعاً شریک هستند؟ در همین زمان، مقامات کشورهای خاورمیانه نیز احساس مشابهی نسبت به آمریکا دارند؛ شرایطی که سخن‌های گاه‌وبیگاه تحلیل‌گران در دولت

دولت آمریکا، تلاش کرده‌اند تا حوثی‌ها را در لیست تروریستی قرار دهند و این کشور را در نگرانی عربستان و امارات از سپاه پاسداران سهیم کنند. تا جایی که به آن‌ها مرتبط است، مصر در سال‌های اخیر، به تسلیحات پیشرفته روسی دست پیدا کرده و همچنان ضمن سرگرم ساختن چین، از انتخاب بین واشنگتن و پکن^۳ امتناع می‌ورزد. فضای خوبی بر اجلاس بی سابقه نقب^۴ که وزرای امور خارجه اسرائیل، مصر، بحرین، امارات و مراکش را به همراه وزیر امور خارجه آمریکا

اسم سپاه از فهرست گروه‌های تروریستی هستند، برای عربستان و امارات، آشکارترین نشانه از تعهد پوچ ایالات متحده برای تأمین امنیتشان است. البته تنها سعودی‌ها و اماراتی‌ها نیستند؛ اگرچه اسرائیل در دوران نخست‌وزیری نفتلی بنت^۱، موضعی کمتر انتقادی در قبال ایالات متحده داشته است، ولی او و وزیر امور خارجه، یائیر لاپید^۲ شفاف ساخته‌اند که اسرائیل، به هیچ توافق هسته‌ای جدیدی با ایران، پایبند نخواهد بود. آن‌ها همچنین از طریق لابیگری با

3. Beijing
4. Negev Summit

1. Naftali Bennett
2. Yair Lapid

فدرال آمریکا موسوم به بلتوی^۱ درباره «خروج» یا «چرخش از» منطقه، آن را بدتر می‌کند. البته احساسات ناپخته در همه طرف‌ها، قابل درک است اما مایوس شدن و اعلام اینکه شرکای آمریکا افتضاح هستند، هیچ بینشی نسبت به چرایی چنین سرگردانی و اینکه چه کاری می‌توان نسبت به آن انجام داد، ارائه نمی‌کند. برخی تمایل دارند تا مقامات کنونی را مقصر جلوه دهند، اما در واقع، این روند از هم‌پاشیدگی به قدری سابقه دارد که دوران مسئولیت سه رئیس‌جمهور آمریکا را شامل می‌شود (۱۳ سال ادامه نیز دارد). دلیل این مسئله، این است که روابط فوق، نابهنگام و نابجا بوده و برای زمانی که اکنون، مدت‌ها از آن گذشته است، کشف، توسعه و ساخته شده‌اند.

۷۷ سال قبل، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، فرانکلین روزولت^۲ و شاه عبدالعزیز^۳ - که به ابن سعود

مشهور است - روابط بین دو کشور را پایه‌ریزی کردند. مدت‌ها از زمانی که رئیس‌جمهور سابق مصر، انور سادات^۴ به وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، هنری کسینجر^۵ گفت که مصر می‌تواند سپری در برابر اتحاد جماهیر شوروی باشد، می‌گذرد. روابط واشنگتن با امارات در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی پرورش یافت؛ دورانی که حضور ایالات متحده در خلیج فارس، حاکی از یک حضور دائمی بود. آن روابط با وقوع جنگ جهانی با تروریسم تنگ‌تر شد، اما اکنون آمریکایی‌ها در حال کنار آمدن با تبعات امنیتی سازی سیاست خارجی خود در طول دو دهه گذشته بوده و خواستار تغییر هستند. در سطحی گسترده‌تر، منافع اصلی که ایالات متحده را در خاورمیانه هدایت می‌کند (جریان آزاد نفت و کمک به تضمین امنیت اسرائیل)، دیگر ضروری به نظر نمی‌رسند.

بله! حمله روسیه به اوکراین، اهمیت نفت خاورمیانه را در برهه کنونی تصدیق کرد و انتقال انرژی، هرگز قرار نبود تا به سهولتی باشد که برخی تصور می‌کنند. البته با سرعت گرفتن روند انطباق با جایگزین‌های نفت (جامعه اطلاعاتی آمریکا تخمین می‌زند که این اتفاق، بعد از سال ۲۰۳۰ رخ خواهد داد)، میادین نفتی منطقه، اهمیت کمتری برای آمریکا، پیدا خواهند کرد. هم‌اکنون نیز سیاست‌گذاران آمریکایی، اشاراتی داشته‌اند که دیگر نمی‌خواهند از امنیت انرژی خاورمیانه، دفاع و برای آن فداکاری کنند. یکی از آخرین اقدامات جنجالی رئیس‌جمهور سابق آمریکا، دونالد ترامپ، پاسخ ندادن به حمله سال ۲۰۱۹ عربستان سعودی بود. اسرائیل، کشوری کاملاً صنعتی شده است که تولید ناخالص داخلی هم‌ردیف متحدان اروپایی آمریکا و سابقه‌ای درخشان از دفاع از خود، در کارنامه دارد.

4. Anwar Sadat
5. Henry Kissinger

1. Beltway
2. Franklin D. Roosevelt
3. King Abdulaziz



همچنین، این کشور به تدریج در حال متحد شدن با همسایگان خود است. اسرائیلی‌ها روابط بسیار خوبی با دشمن سابق خود، یونان و قبرس دارند و دولت ترکیه به دنبال ایجاد رابطه جدید با بیت المقدس^۱ است. البته، شرکای جدید اسرائیل در جهان عرب (بحرین، امارات و مراکش) نیز هستند تا با اردن و مصر همراهی کنند. به نظر می‌رسد که ایالات متحده دوستانش در منطقه، به برهه‌ای رسیده‌اند که منافعشان، دیگر همسوییست. مقامات واشنگتن

و کشورهای خاورمیانه، می‌توانند نظام روابطی را که در حال قدیمی شدن است، دوباره بر اساس مجموعه‌ای جدید از اهداف تنظیم کنند، اما هر دو هدفی که آمریکا، ممکن است در نظر داشته باشد (مقابله با چین و روسیه یا احتمالاً ادغام ایران در منطقه به منظور برقراری ثبات در آن)، هیچ خواهانی ندارد. در طرف مخالف، ما شاهد تحولات عجیب و غریبی مانند حمایت منفعلانه شرکای آمریکا در خاورمیانه از روسیه و عمق بخشیدن به روابطشان با

چین هستیم. احتمالاً اصطلاح دقیق‌تری برای این تحولات، «علائم بیمارگونه» است. این علائم، حاکی از مرگ نظامی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم^۲ ایجاد کرد و تردیدی است که نسبت به وقایع آتی وجود دارد.

مترجم: هادی قربانپار
نویسنده: استیون. آ. کوک
منبع: *فارین پالیسی*

2. World War II

1. Jerusalem